

## تعهد دولت‌ها به حفاظت از تالاب هورالعظیم / هورالهویزه براساس حقوق بین‌الملل

الهام امین‌زاده<sup>\*</sup>، زهراسادات شارق<sup>آ</sup>، حسین رضازاده<sup>۲</sup>

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۹)

### چکیده

حفاظت از محیط زیست به منزله میراث مشترک بشریت، که نسل امروز و آینده حیاتشان به آن وابسته است، وظیفه دولت‌هاست. حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان براساس منافع سایر دولت‌ها و ملت‌ها محدود می‌شود. از یک طرف، وجود منابع مشترک مرزی میان ایران و سایر کشورها و از طرف دیگر، کمبود منابع آبی زمینه بروز اختلاف و کشمکش را فراهم کرده است. از جمله منابع مشترک می‌توان به تالاب هورالعظیم/هورالهویزه اشاره کرد که حیاتش به رودخانه‌های تأمین‌کننده آن یعنی رود کرخه و دجله بستگی دارد. ساخت‌وساز سد روی رودهای تأمین‌کننده آب تالاب هورالعظیم/هورالهویزه آسیب شدیدی به تالاب و اکوسیستم آن وارد کرده است که مسئولیت دولت‌های حاشیه آن را به دنبال داشته است. فعالیت‌هایی که در بخش انرژی اعم از انرژی‌های تجدیدپذیر یا غیرتجدیدپذیر صورت می‌گیرند، روی تالاب‌ها آثار منفی می‌گذارند. کشورهای حاشیه رودها و تالاب مذکور براساس حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مسئول محافظت از حیات و اکوسیستم آن، واردنشدن آسیب فرامرزی و همکاری در این زمینه‌اند. به عبارت دیگر، منابع مشترک، همکاری مشترک دولت‌ها را طلب می‌کند.

### واژگان کلیدی

تالاب هورالعظیم/هورالهویزه، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، منابع مشترک، مسئولیت دولت‌ها.

\* E-mail: eaminzadeh@ut.ac.ir

نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

رودخانه‌ها منبع حیات، زندگی و تغییرات آب و هوایی‌اند. بیش از نیمی از مساحت جهان در محدوده حوزه‌های آبی مشترک قرار دارد. لذا بهره‌برداری از آب‌های واقع در چنین حوزه‌هایی به‌خصوص در نواحی خشک و نیمه‌خشک مانند خاورمیانه غالباً اختلاف‌برانگیز است.<sup>۱</sup> رودخانه‌های مرزی و حوزه‌های آبریزی<sup>۲</sup> آینده مشترک دارند، آن‌ها از توسعه اقتصادی، اجتماعی و آینده بشریت حمایت می‌کنند.

توسعه اقتصادی امکان بهره‌برداری هرچه بیشتر را از محیط‌زیست می‌دهد که از جمله می‌توان به احداث سد‌های بزرگ<sup>۳</sup> اشاره کرد. احداث سد روی رودخانه‌ها امکان بهره‌برداری و استفاده از رودخانه‌ها را فراهم می‌کند. سد‌ها امکان ذخیره آب برای بهره‌برداری از آن برای آبیاری، تولید انرژی برق، آب و استفاده از آن در زمان کم‌آبی را فراهم می‌کنند. همچنین، سد‌ها می‌توانند جریان آب را تعدیل کنند.<sup>۴</sup> با وجود تمام فوایدی که سد‌ها دارند نبود مدیریت و ناهماهنگی بین فعالیت اقتصادی و محیط‌زیست می‌تواند سبب آسیب شدید به محیط‌زیست شود، زیرا بستر فعالیت اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست یکی است، اما در اهداف متناقضی‌اند. علاوه بر این، نبود همکاری بین کشورهای اطراف رودخانه و رقابت بین آن‌ها برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از منابع آبی سبب آسیب به اکوسیستم رودخانه و هر محیطی که حیاتش وابسته به آن است می‌شود.

در آخرین گزارش کمیسیون جهانی سد آمده است: «اگرچه ساخت سد از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای توسعه انسانی برخوردار است، در بیشتر موارد هزینه‌های غیرضروری و

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: رضایی، محمدتقی (۱۳۸۴). «چالش‌ها و راهکارهای حقوق نظام بهره‌برداری از آب‌های مشترک با نگاهی به رژیم حقوقی آب‌های مرزی ایران»، همایش تبادل تجربه‌های پژوهشی، فنی و مهندسی.

2. International drainage basin.

۳. سد‌های بزرگ به سدهایی اطلاق می‌شوند که حداقل ۱۵ متر ارتفاع یا مخزنی با گنجایش ۳ میلیون متر مکعب داشته باشند.

World Commission on Dams (WCD), Dams and Development: A New Framework for Decision-making, The Report of the World Commission on Dams (2000), at 11.

۴. از لحاظ تاریخی شاید بتوان اولین سد را در کوهستان زاگرس در لبه شرقی بین‌النهرین دانست.

Robinson Jeffers, A Short History of Damming, 1925, <https://www.internationalrivers.org/dams-what-they-are-and-what-they-do>.

غیرقابل قبولی دارد، مخصوصاً از جهت اجتماعی و زیست‌محیطی بر دولت پایین دست و محیط‌زیست آن و منجر به جابه‌جاشدن مردم می‌شود» ( World Commission on Dams, 2000). در بیشتر موارد ساخت سد با توقف جریان رودخانه، به تأثیر شدید در گونه‌ها و اکوسیستم منجر و تلاش برای مهار آن اغلب با شکست مواجه می‌شود. در واقع جریان رودخانه قلب تپنده آن است.

مشکلات آلودگی اغلب بیشترین تأثیر را در کشور پایین دست رودخانه می‌گذارند، به‌خصوص زمانی که دولت بالادست رودخانه بدون رایزنی با دولت پایین دست، به ساخت سد بر رودخانه اقدام می‌کند که این امر بدون در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال می‌تواند به رسوب‌گذاری شدید در بستر رودخانه منجر شود.

رودخانه‌ها مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده آب تالاب‌ها و حفاظت از آن‌ها و گونه‌های گیاهی و جانوری مربوط به آن است. لذا ساخت سد روی رودخانه‌ها می‌تواند بیشترین تأثیر را در تالاب‌ها و از بین بردن تنوع زیست‌محیطی مربوط به آن داشته باشد. در این میان ساخت و ساز بی‌رویه سد روی رودخانه‌های تأمین‌کننده آب تالاب هورالعظیم/هورالهویزه از سوی دولت‌های حاشیه رودخانه‌های مذکور به خشک‌شدن این تالاب، از بین رفتن تنوع زیست‌محیطی و خطر انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری منجر شد. مهم‌ترین مسئله در این خصوص، مسئولیت دولت‌های حاشیه رودخانه در حفاظت از اکوسیستم آن است. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر، بررسی رژیم مسئولیت دولت‌های حاشیه تالاب و رودخانه‌های تأمین‌کننده آب تالاب است. آیا دولت‌ها ملزم‌اند که از تالاب حفاظت کنند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه رژیم مسئولیتی بر آن‌ها حاکم است؟

## ۲. اهمیت تالاب‌ها

براساس کنوانسیون رامسر: «تالاب‌ها شامل مرداب‌ها، باتلاق‌ها و لجن‌زارها یا آب‌های طبیعی یا مصنوعی اعم از دائمی یا موقت است که آب‌های شیرین، تلخ یا شور به صورت راکد یا جاری در آن یافت می‌شود. از آن جمله است آب‌های دریا که عمق آن در پایین‌ترین نقطه جزر از شش متر تجاوز ننماید» ( Ramsar convention, art.1).

تالاب‌ها از حاصل خیزترین اکوسیستم‌ها به شمار می‌روند و در تنوع گونه‌های گیاهی و جانوری، ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی مثل آب و هوا نیز نقش مهمی دارند که بر اهمیت آن می‌افزاید (EPA, 2017). تالاب‌ها از دو منظر خاص اهمیت بین‌المللی دارند: هنگامی که آن‌ها مکانی برای سکناى پرنده‌گان مهاجر هستند و زمانی که در سرزمین دو یا چند کشور قرار دارند. همچنین، به دلیل وجود منابع غذایی زیادی که در تالاب‌ها وجود دارد، از مهم‌ترین اکوسیستم‌های آب تازه برای جانوران بالاخص مرغان آبی محسوب می‌شوند که بنا بر مقدمه کنوانسیون رامسر از جمله منابع بین‌المللی محسوب می‌شوند. لذا تالاب‌ها نقش مهمی در حفظ تنوع زیست‌محیطی دارند.

تالاب‌ها معمولاً پوشیده از آب هستند، همراه با گیاهانی که خودشان را با شرایط خاکی وفق می‌دهند. تالاب‌ها بسیار متنوع‌اند؛ از تالاب‌های باتلاقی تا چالاب‌ها، از تالاب‌های داخلی تا ساحلی و از تالاب‌هایی که منبع آب شیرین‌اند تا آب شور تقسیم‌بندی می‌شوند.

همه تالاب‌ها آب خود را از منابع آب سطحی تأمین می‌کنند و اکثراً از منابع آب زیرزمینی نیز تغذیه می‌شوند. تالاب‌ها از مهم‌ترین منابع تأمین آب سطحی و زیرزمینی به شمار می‌روند که در فصول خشکسالی از اهمیت زیادی برخوردارند. تالاب‌ها جریان سیل را تعدیل و با کاهش جریان آن از خساراتش جلوگیری و آب سیل را ذخیره می‌کنند (Ibid). لذا تالاب‌ها از اهمیت بسیار زیادی در زمینه‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی، تفریحی و زیست‌محیطی برخوردارند که تخریب آن‌ها زیانی جبران‌ناپذیر است (Ramseur convention, preamble). مهم‌ترین خطری که تالاب‌ها را تهدید می‌کند، جلوگیری از تأمین آب تالاب با توقف جریان رودخانه است.

### ۳. حفاظت از تالاب‌ها

محیط‌زیست، محیط حیات بشری است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های شیمیایی اعلام می‌کند: «... محیط‌زیست یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه محل زندگی است که کیفیت زندگی و سلامت بشر از جمله نسل آینده در آن است ...» (icj report, 1996: 29). همچنین، دیوان در قضیه گابچیگو-ناگیماروس، آسیب به محیط‌زیست را مصداق

1. Marshes/wetlands.

«صدمه جدی به منافع اساسی» براساس ماده ۲۵ از طرح مسئولیت دولت‌ها دانست و بر این اساس، اجازه فسخ قرارداد را به مجارستان داد (Gabčíkovo-Nagymaros Project, 1997: 140).

دلایل یا کدهای زیادی وجود دارد که بر شناسایی محیط‌زیست به منزله میراث مشترک بشریت تأکید می‌کند. تعهد دولت‌ها به همکاری، مشورت، مذاکره و اطلاع‌رسانی در مسائل زیست‌محیطی، حق بر حفظ محیط‌زیست سالم در پیش‌نویس میثاق سوم درخصوص حقوق همبستگی و رأی قضیه کارخانه ریخته‌گری تریپل مؤید این حقیقت است (ضیایی، ۱۳۹۳: ۱۹۳). علاوه بر این، کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، کنوانسیون میراث جهانی (میراث حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان) محیط‌زیست را به منزله میراث مشترک بشریت شناسایی کرده است. لذا محیط‌زیست، آب و هوا و تنوع زیستی به منزله نگرانی و میراث مشترک بشریت همکاری مشترک دولت‌ها را طلب می‌کند. به عبارت دیگر، اگر محیط‌زیست را میراث مشترک بشریت بدانیم، مسئولیت مشترک در حفاظت از آن بر عهده تمامی دولت‌ها قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، رویه بین‌المللی حاکی از آن است که مسئولیت مشترک صرفاً حقوق نرم نیست، بلکه وارد حقوق بین‌الملل شده است.

خشک‌شدن تالاب هورالعظیم/هورالهویزه از طرف یونپ به منزله فاجعه زیست‌محیطی و انسانی یاد شد (مختاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۴). از نیروی رودخانه‌ها برای آبیاری، تولید برق و سایر فعالیت‌های صنعتی استفاده می‌شود، اما دولت‌ها باید به خاطر داشته باشند که محیط‌زیست تنها متعلق به نسل کنونی نیست و جزو میراث مشترک بشریت است. لذا با وجود حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود، نه تنها نمی‌توان این حاکمیت را مطلق پنداشت، بلکه مسئولیت مشترکی نیز در حفاظت از محیط‌زیست دارند.

بنا بر کنوانسیون تنوع زیست محیطی، طرفین متعهد نه تنها به حفاظت از تنوع زیستی خود در داخل کشور ملتزم اند، بلکه این حفاظت، حفاظت بیرونی را نیز شامل می‌شود. بدیهی است حفاظت از تالاب‌ها برای حفظ تنوع زیست‌محیطی و گونه‌های گیاهی و جانوری لازم و ضروری است. دولت‌ها براساس اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

که ریشه در حقوق بین الملل عرفی دارد، همچنین معاهدات چندجانبه که عضو آن هستند و موافقت‌نامه‌های دوجانبه، به همکاری و حفاظت از این تالاب‌ها ملتزم‌اند. کما اینکه دولت‌ها در خصوص تالاب‌ها به منزله قسمتی از محیط‌زیست مسئولیت مشترک دارند و همکاری مشترک در این حوزه بهترین راه‌حل برای حفاظت از آن است. لذا همان‌طور که بیان شد، در زمینه محیط‌زیست نیز تعهداتی اعم از تعهدات معاهداتی و عرفی وجود دارد. در این صورت می‌توان دولت‌ها را براساس حقوق بین‌الملل عمومی متعهد دانست و لذا مسئولیت برای اعمال منع‌شده به نفع مسئولیت ناشی از نقض تعهدات کنار می‌رود.

#### ۴. تأثیر بهره‌برداری از انرژی در تالاب‌ها

افزایش جمعیت به افزایش مصرف سوخت و انرژی منجر می‌شود. لذا طبیعی است درخواست برای منابع انرژی افزایش یابد. در بخش انرژی منابع متنوعی وجود دارند که می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

الف) منابع تجدیدناپذیر مانند زغال سنگ، نفت، گاز، سوخت‌های فله‌ای یا متالیک برای انرژی هسته‌ای مانند، اورانیوم، پلوتونیوم و توریم؛

ب) منابع تجدیدپذیر مانند باد، انرژی خورشیدی یا اقیانوسی مانند امواج دریا یا آنچه امروز به‌منزله سوخت‌های طبیعی<sup>۱</sup> معروف شده‌اند.

دسترسی امن به منابع انرژی پایدار عامل اساسی حفاظت از انسان و توسعه پایدار است. همان‌طور که اشاره شد درخواست برای آن افزایش می‌یابد، اما بهره‌برداری از انرژی در تمام جنبه‌ها می‌تواند آثار منفی روی اکوسیستم تالاب‌ها داشته باشد. از جمله تأثیراتی که می‌تواند داشته باشد عبارت‌اند از:

۱. تغییر در کمیت آب تالاب‌ها به دلیل استفاده از آب‌های سطحی تالاب یا زیرزمینی یا تغییر در جریان طبیعی آب؛

---

۱. سوخت‌های طبیعی تبدیل منابع طبیعی به‌منزله جایگزینی برای سوخت‌های ناشی از منابع تجدیدناپذیرند. این سوخت‌ها می‌توانند آلودگی زیست‌محیطی و گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهند.

<https://www.wetlands.org/casestudy/wetlands-and-biofuels/>

۲. تغییر در کیفیت آب، خاک و هوا به دلیل آلودگی شیمیایی، رادیواکتیو و ارگانیک به دلیل فعالیت‌های صورت‌گرفته در بخش انرژی؛

۳. تأثیر مستقیم در ساکنان تالاب‌ها به دلیل تغییر تالاب‌ها برای ساخت‌وساز و تولید انرژی مانند ساخت و تأسیس سدهای برقایی؛

۴. تأثیر در اقلیم جانوران مانند مرغان هوایی؛

۵. تأثیر در تغییرات آب و هوایی (Guidance for addressing the implications for )

(wetlands of policies, plans and activities in the energy sector, 2012:5).

طی تشکیل کنفرانسی درخصوص تأثیر انرژی در تالاب‌ها بیان شد که اگر کاربرد انرژی به‌درستی تنظیم و اداره نشود تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم جانبی در اکوسیستم تالاب‌ها می‌گذارد. همچنین، این کنفرانس نگرانی خود را درخصوص آسیب‌پذیری تالاب‌ها در بخش انرژی از جمله ذخایر آبی ابراز داشت (11<sup>th</sup> Meeting of the Conference of the Parties to the Convention on Wetlands, 2012:6.8). از جمله مهم‌ترین تأثیرات بهره‌برداری در بخش انرژی را می‌توان در ساخت سد روی رودخانه‌ها به‌منظور بهره‌برداری از انرژی آب برای تولید برق و استفاده از آب برای مصارف خانگی و بخش کشاورزی دانست.

### ۵. تأثیر سد در تالاب‌ها

آثار زیست‌محیطی سدهای بزرگ بسیار متنوع‌اند و تأثیر مستقیمی در اموال بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی رودخانه و دولت‌های حاشیه رودخانه دارند. دیوارهای سد مانع مهاجرت ماهی‌ها می‌شوند و تأثیری مهم و آشکار در تغییر جریان آب و تغییر دمای آب می‌گذارد. سدهای بزرگ به انقراض گونه‌های ماهی، آسیب به جنگل، مراتع، تالاب‌ها و زمین‌های کشاورزی منجر می‌شوند. ساخت سد می‌تواند در هیدرولوژی رودخانه و اکولوژی آن اثر بگذارد و حتی به تغییرات آب و هوایی منجر شود.

احداث سد روی رودخانه‌ها زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود که، از جمله منابع آبی مشترک باشند مانند رودخانه‌های مرزی یا متوالی یا آنکه در تأمین و حفظ حیات منبعی مشترک نقش مهمی داشته باشند که نمونه بارز آن را می‌توان در تالاب هورالعظیم/هورالهبویه دانست.

منابع آبی مشترک، همکاری مشترک کشورهای مربوطه و تعهد و پایبندی آنها به تعهدات را می‌طلبد. منابع آبی مشترک همواره مورد مناقشه و اختلاف بودند. پیتر هاگت در الگوی فرضی خود هنگام برشمردن عوامل جغرافیایی تنش‌زا میان کشورها، شش تنش را درخصوص موضوع آب و از میان آنها چهار مورد را به آب‌های مشترک نسبت می‌دهد (خالدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۵). در این خصوص می‌توان به اختلاف درباره رودخانه مکونگ و امو اشاره کرد. در آسیای جنوب شرقی، با وجود انعقاد قرارداد Mekong در سال ۱۹۹۵ مابین کشورهای آسیای جنوب شرقی<sup>۱</sup> درخصوص اداره رودخانه Mekong، لائوس به منزله یک طرف قرارداد، اقدام به ساخت سد xayaburi کرد، بدون آنکه آثار ساخت‌وساز روی رودخانه را ارزیابی کند. با آنکه کامبوج و ویتنام راجع به تأثیر فرامرزی ساخت سد اظهار نگرانی کردند (Kirk Herbertson, 2013: 17) ساخت‌وساز این سد، تأثیر منفی شدیدی در کشورهای حاشیه رودخانه گذاشت.

همچنین، اتیوپی بدون بررسی آثار احتمالی ساخت سد، اقدام به ساخت‌وساز سد Gib III روی رودخانه امو کرد که حیات دریاچه تورکانا به منزله بزرگ‌ترین دریاچه بیابانی جهان و زندگی صدها هزار نفر (International Rivers, 2011: 3) را تهدید کرد. این دریاچه ۹۰ درصد آب خود را از رودخانه امو تأمین می‌کند. ساخت سد آبیاری از سوی اتیوپی می‌تواند جریان آب را طی سالیان متمادی کاهش دهد. سد مذکور علاوه بر آنکه به کاهش جریان آب رودخانه منجر می‌شود، به گونه‌های جانوری، گیاهی و کشاورزی نیز آسیب می‌زند (Ibid, 2013).

تأثیر مخرب سدها روی اکوسیستم، نیازمند اقدام فوری دولت‌ها در حفاظت از تنوع زیستی است. در امریکا تاکنون حدود یک میلیون سد از بین رفته است. بزرگ‌ترین پروژه از بین بردن سد در پارک ملی المپیک در ایالت واشنگتن رخ داد که سد تخریب‌شده حدود ۲۰۰ سال قدمت داشت (Davenport & Colo, 2012).

۱. قرارداد مذکور مابین کامبوج، لائوس، تایلند و ویتنام منعقد شده است.



## ۶. تأثیر سد در تالاب هورالعظیم/هورالهویزه

بین‌النهرین از کم‌آب‌ترین مناطق جهان و در حال حاضر رقابت در این منطقه بر سر آب زیاد است. تالاب‌های این منطقه، عمده آب خود را از رودخانه‌های دجله و فرات تأمین می‌کنند. براساس کنوانسیون رامسر ۴۲ نوع تالاب تعریف شده است که در سه دسته اصلی «تالاب ساحلی»، «تالاب داخلی» و «تالاب مصنوعی» قرار می‌گیرند. از این ۴۲ گونه، ۴۱ نوع آن در ایران وجود دارد. تاکنون از طرف ایران ۲۴ تالاب در کنوانسیون رامسر ثبت شده است که شش مورد آن<sup>۱</sup> در وضعیت قرمز قرار دارند و در لیست مونترو<sup>۲</sup> ثبت شده‌اند.

تالاب هورالعظیم/هورالهویزه بخشی از تالاب دائمی آب شیرین در بین‌النهرین سفلی است که در مرز کشورهای ایران و عراق قرار دارد. از نظر جغرافیایی حد شرقی هور در خاک ایران، در شمال‌غرب سیستان و در نزدیکی روستای چزابه به مختصات ۴۷ درجه و ۵۷ دقیقه شرقی و ۴۷ درجه و ۱۶ دقیقه غربی قرار گرفته است. این تالاب از شمال در محدوده ۳۱ درجه و ۴۷ دقیقه در مجاورت روستای سوله و از سمت جنوب نیز در عرض جغرافیایی ۴۱ درجه قرار دارد (مختاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۴).

مهم‌ترین منابع تأمین آب هورالعظیم/هورالهویزه رودخانه دجله<sup>۳</sup> در عراق و کرخه در ایران<sup>۴</sup> هستند. قسمت اعظمی از آن به دلیل اکتشاف نفت و ساخت سد در بالادست

۱. تالاب انزلی، تالاب هامون (دهانه جنوبی پوزک)، تالاب هامون (صابوری و هیرمند)، تالاب نیریز و کمجان و تالاب شورگل، یادگارلو و دورگه سنگی، ۶ تالابی هستند که در لیست مونترو قرار دارند.
۲. لیست مونترو، لیستی از تالاب‌های مهم بین‌المللی است که در مشخصه‌های اکولوژیک آن تغییراتی به وجود آمده است که احتمال دارد در نتیجه توسعه تکنولوژی، آلودگی یا سایر مداخلات انسانی باشد. این مکانیسمی است تا تالاب‌هایی را که در وضعیت وخیم قرار دارند اعلام کند.  
[http://archive.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-montreux/main/ramsar/1-31-118\\_4000\\_0](http://archive.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-montreux/main/ramsar/1-31-118_4000_0).
۳. رودخانه دجله از دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه توروس در شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرد، سپس وارد عراق می‌شود و به فرات می‌رسد و سرانجام هر دو به کارون می‌پیوندند که اروندرود را تشکیل می‌دهند و در پایان به خلیج فارس سرازیر می‌شوند.
۴. ایران در شرق کشور موقعیت کشور پایین‌دست را نسبت به هیرمند و هریرود و در غرب کشور، در حوضه رود دجله به سوی باختری به واسطه چندین رود کوچک و بزرگ از جمله زاب کوچک و سیروان جایگاه فرادست را دارد. پیلتن، فرزاد و صدیق بطحایی اصل (۱۳۹۵). «مبانی و مکانیزم همکاری‌های زیست‌محیطی ایران و همسایگان در حوزه آب‌های رودخانه‌ای مشترک»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۲۱، ۹۲.

رودخانه خشک شده است. علاوه بر این، رودخانه‌های اصلی، رودهایی که منابع آبی خود این رودخانه‌ها را تأمین می‌کنند نیز در تأمین آب تالاب مذکور از اهمیت درخوری برخوردارند.

جوامع اولیه در عراق آب رودخانه‌های دجله و فرات را با سد سنگی مسدود می‌کردند تا سیستم آبیاری و کانال آبیاری ایجاد کنند. اولین سد روی رود دجله و فرات به ۵۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. ساخت سدهای بزرگ به دهه ۱۹۵۰ میلادی بازمی‌گردد که از سوی عراق روی رود زاب کوچک و از سوی ترکیه با ساخت سد کبان روی رود فرات و سوریه با ساخت سد طبقاً روی فرات ادامه یافت (Bremer, 2016: 2). شاخه‌های رود دجله از کوه‌های زاگرس در ایران سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل ایران از موقعیت کشور بالادست برخوردار است.

ساخت‌وساز سد از سوی دولت ایران روی شاخه‌های رودی که به رود دجله می‌ریزند تأثیر بسیار مهمی در کاهش جریان آب این رودخانه دارد. این رودخانه‌ها عبارت‌اند از: رود دویرج، رود کنجان چم، رود چنگوله، رود سیمره، رود سیروان و رود زاب (پیلتن و بطحایی اصل، ۱۳۹۵: ۱۰۲-۱۰۳). از سدهایی که روی این رودها تأسیس شده است می‌توان به، سد کنجان چم روی رود کنجان چم، سد داریان روی رود سیروان و سد سردشت روی رود زاب کوچک اشاره کرد. اما بزرگ‌ترین سد ایران روی رود کرخه است. رودخانه کرخه از مناطق میانی و جنوب‌غربی رشته‌کوه زاگرس در نواحی غرب و شمال‌غرب کشور سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافتی در حدود ۹۰۰ کیلومتر در امتداد شمال به جنوب، سرانجام در مرز مشترک ایران و عراق به مرداب هورالعظیم می‌رسد. کرخه در عراق به رودخانه‌ای که از پیوستن دجله و فرات پدید آمده است می‌پیوندد. سرشاخه‌های اصلی کرخه، سیمره، کشکان، قره‌سو، گاماسیاب و چراودل هستند.

از طرف دیگر، طرح پروژه گپ در دهه ۸۰ میلادی از سوی ترکیه نگرانی‌ها را تشدید کرد. این طرح شامل ۲۲ سد بزرگ و ۱۴ سد برقی می‌شود. دو سد آتاتورک و ایلیسو از بزرگ‌ترین سدهای این طرح به شمار می‌روند که تاکنون ساخته شده‌اند. ساخت‌وساز سد

در قسمت آناتولی جنوبی از سوی ترکیه تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی<sup>۱</sup> روی اکوسیستم خواهد داشت. اثر مستقیم آن را می‌توان در آسیب وارده به تالاب‌های مذکور مشاهده کرد. ترکیه با ساخت سد آتاتورک روی رود فرات و سد ایلیسو روی رود دجله به منزله منبع مهم تغذیه تالاب مذکور که ظرفیتی سه برابر سد کرخه دارد، توانست سطح آب را کاهش دهد و این امر روی تالاب هورالعظیم/هورالهویزه به منزله تالابی که از این رودخانه تغذیه می‌کند، تأثیر مخربی دارد.

دولت عراق نیز علاوه بر سد موصل (پیش از این سد صدام نام داشت) روی رود دجله، اقدام به حفر چاه کرد (Bernard & Schwinghamer, 2014). کاهش میزان آب ورودی به عراق به دلیل ساخت‌وساز سد روی رودهای دجله و فرات از سوی ترکیه و سوریه این کشور را بر آن داشت تا به حفر چاه‌های عمیق در اطراف این رودها برای تأمین آب موردنیاز خود اقدام کند. پیامد حفر این چاه‌ها افزایش خشکی تالاب‌ها و کاهش رطوبت بود که منجر به آن شد تا به کانون گرد و غبار تبدیل شود (عصاری، ۱۳۹۳: ۸).

با توجه به فعل و انفعالات اساسی اکولوژیک تالاب‌ها به منزله تنظیم‌کننده رژیم آب‌ها و محل رشد نباتات بومی و زیستگاه حیوانات به خصوص پرندگان آبی، خشک‌شدن آن‌ها می‌تواند اثر سوئی در اکوسیستم بگذارد. تأمین‌نشدن حقایق تالاب‌ها و احداث سد در مسیر سیلاب سبب شده است تالاب هورالعظیم در برخی مناطق خوزستان حالت طبیعی خود را از دست بدهد و به کانون گرد و غبار تبدیل شود. به عبارت دیگر، ساخت‌وساز سد و کاهش جریان رودخانه‌ها علاوه بر خشک‌شدن تالاب و آسیب به گونه‌های گیاهی مانند نخل‌ها و خطر انقراض گونه‌های جانوری مانند سمورهای آبی، (Mirzaei, Conroy & Yoxon, 2010: 83) محیط تالاب‌ها را به بستر مناسبی برای تولید ریزگردها تبدیل کرده است.

۱. اثر غیرمستقیم کاهش جریان آب رودخانه دجله و فرات را می‌توان در خلیج فارس مشاهده کرد. با کم‌شدن آب ورودی به خلیج فارس غلظت نمک در خلیج فارس بالا می‌رود و بسیاری از آبزیان از جمله آبی صنعتی میگو و بسیاری از انواع ماهیان صنعتی امکان ادامه حیات در آب‌های جنوبی کشورمان را نخواهند داشت.

وخامت اوضاع و شرایط تالاب هورالعظیم/هورالهوریزه منجر به آن شد تا طی ارسال نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، با اشاره به تأثیرات مخرب ساخت‌وساز سد در محیط تالاب و حیات مردمان بومی که حیاتشان وابسته به حیات تالاب است، خواستار واکنش فوری به آن شدند (Petition to Antonio Guterres, 2017). با توجه به آثار فرامرزی تأسیسات دولت‌ها روی رودخانه‌ها و زیرشاخه‌های ذکرشده، این سؤال مطرح می‌شود که چه تعهداتی براساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها را به حفاظت از این تالاب ملزم می‌دارد؟

### ۷. حفاظت از تالاب‌ها براساس حقوق بین‌الملل

حفاظت از تالاب‌ها موضوعی زیست‌محیطی است و بی‌شک تالاب‌ها نیز جزئی از طبیعت و اکوسیستم محسوب می‌شوند، لذا باید براساس قواعد حاکم بر محیط زیست و اسناد مربوطه بررسی شوند (WSP, 2013). علاوه بر اصول و قواعد عام حقوق بین‌الملل باید به طور خاص براساس اصول، قواعد و تعهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و آب‌ها بررسی شوند. براساس اعلامیه استکهلم، حفاظت از تالاب‌ها به منزله منابع طبیعی، نه تنها برای نسل حاضر، بلکه برای نسل‌های آتی نیز از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

در اصل پنجم از منشور جهانی طبیعت، مصوب ۱۹۸۲ در مجمع عمومی سازمان ملل، آمده است:

«اکوسیستم و ارگانیسم، همچنین منابع زمینی، دریایی و اتمسفری باید به نحوی اداره شوند که به صورت سودمندی بهینه و پایداری داشته باشد، اما نه به روشی که تمامیت اکوسیستم یا گونه‌هایی که با آن در حال زیست هستند را به خطر بیندازد» (A/RES/37/7, art.5: 1982).

حفاظت از منابع طبیعی و اکوسیستم از جمله تالاب‌ها در اسناد متعددی آمده است از جمله، کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان ۱۹۷۲، کنوانسیون تجارت بین‌الملل در خصوص گونه‌های جانوری و گیاهی در خطر اقلیم حیات وحش ۱۹۷۳، کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجرتی حیوانات وحشی ۱۹۷۹، کنوانسیون تنوع زیست محیطی

۱۹۹۲، کنوانسیون استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ و به طور خاص کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱.<sup>۱</sup>

کنوانسیون راجع به تالاب‌های مهم بین‌المللی به خصوص تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی (کنوانسیون رامسر) مهم‌ترین کنوانسیون در خصوص حفاظت از تالاب‌هاست که با هدف جلوگیری از هرگونه تعدی و تخریب در تالاب‌ها چه در حال و چه در آینده و شناخت ظرفیت‌های اساسی و بنیادی اکولوژیک تالاب‌ها و توجه به ارزش‌های تالاب منعقد شد.

نقطه ثقل کنوانسیون رامسر، «استفاده معقول» است که در مواد متعددی از این سند آمده است. به عبارت دیگر، علاوه بر آنکه کنوانسیون رامسر بر حاکمیت سرزمینی بر منابع طبیعی صحه می‌گذارد، بر لزوم استفاده معقول از تالاب‌ها نیز تأکید می‌کند. معنی استفاده معقول مبهم است، اما می‌توان آن را به منزله اعمال محدودیتی بر کاربرد انسانی از تالاب‌ها دانست (Timoshenko, 1988: 467). حفاظت از تالاب‌ها برای تنوع زیست محیطی و زندگی انسانی پایدار با تحت نظر داشتن لیست، از اهداف عمده کنوانسیون محسوب می‌شود. کنوانسیون تنوع زیست محیطی مصوب ۱۹۹۳، به منظور حفاظت از محیط زیست به طور کل پذیرفته شد. این کنوانسیون سه هدف عمده دارد: الف) حفاظت از تنوع زیست محیطی؛ ب) کاربرد پایدار و ج) کاربرد بهینه و پایدار از منابع طبیعی.

براساس کنوانسیون رامسر، دولت‌های عضو، به استفاده معقول و ضرر نرساندن به تالاب‌ها متعهد می‌شوند (ماده ۳ و ۴). استفاده معقول و قاعده لاضرر از اصول مهم در حفاظت از محیط زیست به شمار می‌روند که در واقع در جهت تعدیل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی شان و حفاظت از حقوق سایر دولت‌ها وضع شده‌اند. این اصول صریحاً در اسناد و اعلامیه‌های دیگر و آرای دیوان تکرار شده‌اند، به طوری که می‌توان بدون شک و تردید قائل به عرفی بودن آن‌ها بود.

۱. کنوانسیون رامسر در دوم فوریه ۱۹۷۱ پذیرفته و چهار سال بعد، ۱۹۷۵، لازم‌الاجرا شد. این سند در سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۸۲ اصلاح شد. در حال حاضر این کنوانسیون ۱۶۸ عضو دارد.

## ۸. تعهدات زیست‌محیطی

اقداماتی که دولت‌ها روی جریان رودخانه‌ها انجام می‌دهند، نه‌تنها آثاری را در سرزمین خودشان دارد، بلکه آثار فرامرزی نیز در پی خواهد داشت. آسیب فرامرزی طیف گسترده‌ای از اعمال را دربر می‌گیرد که در یک کشور رخ می‌دهد و اثر آن در سرزمین‌های دیگر است. شاختر درخصوص آسیب فرامرزی چهار شرط را لازم می‌داند: ۱. خسارت باید در نتیجه فعالیت انسانی رخ داده باشد؛ ۲. خسارت باید نتیجه و اثر فیزیکی داشته باشد؛ ۳. تأثیر خسارت باید قابل ملاحظه باشد و ۴. خسارت باید فرامرزی باشد (Schachter, 1991: 366-368). منظور از خسارت فرامرزی، خسارت فیزیکی، آسیب جسمانی، مادی یا زیست محیطی است. به عبارت دیگر، خسارت نه‌تنها به اموال و اشخاص، بلکه به محیط زیست را نیز دربر می‌گیرد. حرکت فرامرزی اثر زیانبار، گویای آن است که بیش از یک دولت را درگیر می‌کند. یکی از نمونه‌های بارز آن را می‌توان در مورد رودخانه‌های مرزی و متوالی مانند رودخانه کلرادو و راین مشاهده کرد. این آسیب در صورتی رخ می‌دهد که کشور بالادست و پایین دست رودخانه بدون رایزنی و همکاری با یکدیگر اقدام به انحراف و ساخت‌وساز روی رودخانه می‌کنند.

اصل همسایگی و حسن همجواری اقتضای آن را دارد که دولت‌ها از ارتکاب اعمالی در سرزمین خود که به آسیب به سرزمین سایر دولت‌ها منجر می‌شود خودداری کنند. این اصل ریشه در قاعده لاتین دارد که می‌گوید: «اموال خود را به نحوی مورد استفاده قرار دهید که منجر به آسیب به سایر مردم نشود».<sup>۱</sup> این اصل مکرراً در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون تنوع زیستی (ماده ۳) و در آرای قضایی آمده است. در رأی تریل اسملتر، دیوان داوری در اختلاف امریکا و کانادا اعلام می‌دارد: براساس اصول حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی حق استعمال یا اجازه به استعمال سرزمینش به روشی که به آسیب به دیگری منجر می‌شود را ندارد... آن اقدام هنگامی با اسناد و مدارک آشکار می‌شود که دیگر به آسیب شدید منجر شده است (The Trail smelter arbitration, 1941: 1963).

1. sic utere tuo et alienum non laedas.

درواقع این یک اصل پذیرفته‌شده است که هیچ کشوری نمی‌تواند به گونه‌ای از سرزمینش استفاده کند که به آسیب سایر دولت‌ها منجر شود. این اصل در قضیه کانال کورفو با این بیان تأکید شد که یک دولت باید از تمام اقداماتی که در سرزمینش یا در مناطق تحت صلاحیتش که به آسیب به محیط‌زیست سایر دولت‌ها منجر می‌شود، خودداری کند (Corfu Channel, 1949: 22).

در اختلاف فرانسه و ایتالیا درخصوص رودخانه Rio Roya، اعمال حقوق حاکمه به وسیله هر دولت درخصوص رودخانه‌های بین‌المللی که از سرزمینش عبور می‌کند، محدود می‌شود به وظیفه عدم آسیب به منافع سایر اعضای جامعه بین‌المللی. به عبارت دیگر، باید به منافع سایر کشورهایی که رودخانه از سرزمینشان جاری است نیز توجه شود، هیچ دولتی نمی‌تواند به گونه‌ای اعمال حاکمیت کند که به همسایه‌اش آسیب وارد شود (Lauterpacht, 1951: 128).

کمیسیون حقوق بین‌الملل تعهد به اتخاذ اقدام مقتضی را این چنین تفسیر می‌کند: «اگر دولت بهره‌برداری‌کننده بداند یا باید بداند که بهره‌برداری از رودخانه به چنین شیوه‌ای منجر به آسیب شدید به دولت ساحلی دیگر می‌شود. در حالی که دولت را نمی‌توان برای تأثیرات غیر قابل پیش‌بینی مسئول دانست، این امر حاکی از آن است که اتخاذ اقدامات مقتضی به اوضاع و احوال بستگی دارد، هنگامی که دولت بتواند یا باید خسارات احتمالی را پیش‌بینی کند» (Draft articles on the law of the non-navigational uses of international watercourses and commentaries thereto and resolution on Tran's boundary confined groundwater, 1994:103). اصل آگاهی در رأی کانال کورفو نیز از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید شد (Corfu Channel, 1949: 18). درواقع هدف آن نیست که دولت وارد نشدن خسارت شدید را تضمین کند، زیرا تعهد به واردنشدن خسارت یک تعهد به وسیله است نه تعهد به نتیجه.

جلوگیری از ورود آسیب فرامرزی، اقتضای آن را دارد تا پیش از آنکه اقدامی از سوی دولتی اتخاذ شود، آثار احتمالی آن ارزیابی شود. اعمال سیستم ارزیابی را می‌توان از سایر اصول عرفی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برداشت کرد؛ از جمله اصل پیشگیری، اصل اطلاع‌رسانی، اصل توسعه پایدار، اصل مشترکات جهانی، اصل احتیاط و اصل جبران خسارت.

حفاظت از محیط زیست به منزله مکانی که نسل امروز و آینده حیات رو به رشدی در آن دارند، از اهداف مهمی است که در اسناد و آرای قضایی متعددی از جمله اعلامیه استکهلم (Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 1972, Principle.1) و رأی گابچیگو-ناگیماروس (Gabčíkovo-Nagymaros Project, 1997: 140) آمده است. لذا حفاظت از محیط زیست تلاش مقتضی و پیشگیری از ورود خسارت را طلب می کند (Ibid: 78). در رأی کاستاریکا علیه نیکاراگوئه، دیوان بین المللی دادگستری با اشاره به آرای سابق خود در قضیه پالپ مایل و کانال کورفو، اذعان می دارد:

«اصل پیشگیری به عنوان یک قاعده عرفی، ریشه در تلاش مقتضی دارد که یک دولت را در سرزمینش ملزم می کند. این تعهد هر دولتی است که اجازه ندهد تا عالمانه از سرزمین برای اعمالی که مغایر حقوق بین سایر دولت هاست، استفاده شود. همان طور که یک دولت ملزم است تا از تمام ابزار موجود به منظور پیشگیری از اعمالی که در سرزمینش یا در مناطق تحت صلاحیتش اتفاق می افتد و منجر به خسارت قابل ملاحظه ای به محیط زیست سایر دولت ها می شود، مدد جوید» (Icj report, 2013: 104).

مواد ۵ و ۱۰ (ح) از کنوانسیون تنوع زیست محیطی، دولت ها را به همکاری برای حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیست محیطی تشویق می کند. این همکاری نه تنها در زمینه تکنولوژی بلکه در زمینه علمی، فنی و تبادل اطلاعات نیز است. اصل همکاری در اسناد متعددی از جمله، حفاظت از گونه های مهاجر وحشی ۱۹۷۹ (ماده ۲)، کنوانسیون بیابان زدایی ۱۹۹۴ (ماده ۴)، کنوانسیون بازل ۱۹۸۹ (ماده ۱۰) و کنوانسیون حفاظت از لایه ازن ۱۹۸۷ (ماده ۲) آمده است. اصل مشارکت و همکاری در خصوص منابع آبی مشترک در اسناد متعددی از جمله، برنامه محیط زیست رود دانوب درج شده است.

تجربه و تخصص علمی ثابت می کند که چه به دلیل اکولوژی و چه به دلیل اقتصادی، پیشگیری قاعده طلایی حقوق در حوزه حقوق محیط زیست است، زیرا در برخی موارد ورود خسارت آسیب وارده، جبران ناپذیر است (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲۱۴). لذا سایر اصول حقوق محیط زیست حول محور این اصل می چرخند.



بنابراین، دولت با وجود آنکه بر منابع خود حاکمیت دارد، نمی‌تواند از اموال خود به‌گونه‌ای استفاده کند که به آسیب به حاکمیت و منافع سایر دولت‌ها منجر شود. در واقع در برخی از اسناد از جمله اعلامیهٔ دهلی نو، حفاظت از محیط زیست، از جمله، تنوع زیست محیطی، گیاهان و جانوران و سیستم آب و هوا را میراث مشترک بشریت می‌دانند. منابع خارج از جو و اجرام آسمانی و منابع کف دریاها و اقیانوس‌ها و زیر خاک که تحت محدودهٔ قلمرو ملی دولت‌ها قرار دارند، میراث مشترک بشریت‌اند. لذا اگر فعالیتی تأثیر زیانباری در سرزمین دولت دیگر داشته باشد، تعهد یا مسئولیت به جبران خسارت دارد. همان‌طور که مشخص شد، اصول مذکور با یکدیگر همپوشانی دارند، اما آنچه اجرای این اصول را کارآمد می‌کند، اعمال فرایند ارزیابی است.

در واقع بیان دیوان در آرای مذکور حاکی از آن است که دولت‌ها باید پیش از اقدام به انجام عملی که احتمال ورود آسیب فرامرزی در آن می‌رود، آثار احتمالی آن را ارزیابی کنند. لذا دیوان دولت‌های مربوطه را ملزم می‌دارد تا بررسی کنند که آیا این اقدام، خطر ورود آسیب فرامرزی قابل ملاحظه‌ای دارد؟ آیا می‌توان همانند سایر اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به عرفی‌بودن این تعهد نیز قائل بود؟

## ۹. ارزیابی فرامرزی

حقوق محیط‌زیست با وجود جوان‌بودن، بیشتر اسناد را در دهه‌های اخیر به خود اختصاص داده است. رویهٔ قضایی نیز مؤید آن است که برخی تعهدات در این زمینه به تعهدات عرفی تبدیل شده‌اند. نظام مسئولیت در خصوص اعمال منع‌نشده در حوزهٔ محیط زیست نظامی در حال شکل‌گیری و توسعه است و تنها می‌توان اصولی را که از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری به منزلهٔ اصول عرفی شناسایی شده است، در این زمینه اعمال کرد. تاکنون، کمیسیون حقوق بین‌الملل موفق به تهیهٔ دو طرح پیش‌نویس پیشگیری از آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک (۲۰۰۱) و طرح اصول تخصیص زیان در خصوص آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک (۲۰۰۶) شده است.

دولت باید قبل از آنکه اجازهٔ اجرای فعل خطرناکی را بدهد، آثار احتمالی در اشخاص، اموال و محیط زیست را ارزیابی کند. در رأی کاستاریکا علیه نیکاراگوئه، دیوان در نهایت نتیجه می‌گیرد که دولت باید قبل از انجام هر کاری تأثیرات زیست‌محیطی آن اقدام در

سایر دولت‌ها را ارزیابی کند. اگر ارزیابی زیست محیطی تأیید کند که خطر قابل ملاحظه‌ای وجود دارد، دولت باید مطابق با تعهدش تلاش معقول و مقتضی برای اطلاع و رایزنی با حسن نیت با دولت‌هایی که احتمال دارد از آن تأثیر بپذیرند، انجام دهد و لازم است تا اقدامات لازم برای جلوگیری یا کاهش خطر را نیز اتخاذ کنند (Certain Activities (carried out by Nicaragua in the Border Area, 2016: 83,204).

در اسناد متعددی، بررسی آثار فرامرزی به منزله یک تعهد برای دولت‌های عضو، ذکر شده است. از جمله می‌توان به کنوانسیون کویت، ایجان، لیما و حقوق دریاها اشاره کرد. اما مهم‌ترین سندی که به تعهد به ارزیابی اشاره کرده است، کنوانسیون تعهد به ارزیابی آثار فرامرزی (اسپو) است. در این کنوانسیون آمده است: «یک دولت باید تضمین کند، قبل از اتخاذ اقدام یا ارائه پیشنهاد در مورد فعالیت‌هایی که در ضمیمه یک درج شده و تحت صلاحیتش صورت می‌گیرد و احتمال دارد که منجر به تأثیر فرامرزی قابل ملاحظه شود، به ارزیابی زیست محیطی بپردازد». یکی از این فعالیت‌ها شامل احداث سد و آب‌بند نیز می‌شود.

مبرهن است که اسناد معاهداتی براساس کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹، تنها بر طرفین الزام‌آورند. این در حالی است که هیچ‌یک از دولت‌های ایران، عراق، سوریه و ترکیه عضو این کنوانسیون نیستند. لذا تنها در صورتی می‌توان این تعهد را به دولت‌های مذکور تسری داد که عرفی بودن را برای آن قائل شد. ارزیابی آثار زیست محیطی در اعلامیه برلین (قاعده ۳۱)، اصل ۱۷ اعلامیه ریو و اصول یونپ (UNEP, 1982) (۱۹۸۷) ذکر شده است و در ماده ۱۴ بند اول (پ) از کنوانسیون تنوع زیست محیطی، طرفین را به ارزیابی و تبادل اطلاعات در خصوص آثار فرامرزی فعالیت‌هایشان از طریق عقد قرارداد دوجانبه یا چندجانبه تشویق می‌کند. لذا نمی‌توان بیان الزامی را از این اسناد برداشت کرد.

براساس کنوانسیون بارسلونا و پروتکل هایش که سوریه و ترکیه عضو آن هستند، دولت‌های عضو متعهد شدند تا اعمالی را که احتمال دارد آثار زیست محیطی قابل ملاحظه‌ای در خصوص دریای مدیترانه در پی داشته باشند، ارزیابی کنند (The Barcelona Convention 1995: Article 4.3(d)). همچنین با وجود عضویت نداشتن ایران (Statement by H.E. Dr Yousef Hojjat, 2004) در کنوانسیون اسپو، اما در مذاکرات

منجر به انعقاد معاهده اسپو، دولت‌های مذکور تمایل خود را به پیروی از سیاست‌های این سند ابراز داشتند.

اصل ارزیابی آثار زیست‌محیطی نه تنها در اسناد بین‌المللی بلکه در موافقت‌نامه‌های دوجانبه نیز درج شده است. از جمله این موافقت‌نامه‌ها می‌توان به تفاهم‌نامه زیست‌محیطی ایران با ترکیه که در سال ۲۰۱۱ منعقد شد، اشاره کرد (Memorandum of Understanding on Environment between the Government of the Republic of Turkey and The Government of the Islamic Republic of Iran, ART.2 (2, (4)).

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی پالپ مایل اذعان می‌دارد:

«در سال‌های اخیر، رویه‌ای میان دولت‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است. بر این اساس که طبق حقوق بین‌الملل عمومی ملزم هستند تا به ارزیابی زیست‌محیطی اعمالی بپردازند که خطر آسیب فرامرزی قابل ملاحظه‌ای دارند، به طور خاص در مورد منابع مشترک» (Pulp Mills, 2010: 204).

دیوان اعمال ارزیابی را نه تنها پیش از انجام فعالیت، بلکه اجرای آن را در تمام طول مدت حیات پروژه لازم می‌داند. همچنین، دیوان لازم می‌داند تا در اعمال ارزیابی زیست‌محیطی تلاش مقتضی مبذول شود (Ibid).

با توجه به اسناد و گرایش دولت‌های مذکور و بیان دیوان، همچنین با توجه به آنکه ارزیابی آثار زیست‌محیطی در واقع پیش شرط اعمال اصول حقوق بین‌الملل زیست‌محیطی است، می‌توان به عرفی بودن تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی قائل شد. لذا بین دولت‌های مذکور هیچ سند معاهداتی مشترکی که متضمن تعهد به ارزیابی باشد، وجود ندارد، اما تکرار این تعهد در اسناد متعدد، موافقت‌نامه‌ها، قوانین داخلی و آرای دیوان و از طرف دیگر اعتراض نکردن دولت‌های مذکور به آن، می‌توان به عرفی بودن این تعهد قائل شد (Ibid: 205).

حال که می‌توان به عرفی بودن این اصل قائل شد، لازم است به این نکته توجه شود که ارزیابی آثار زیست‌محیطی در مواردی صورت می‌گیرد که احتمال وقوع آثار قابل ملاحظه فرامرزی وجود داشته باشد، اما از لفظ قابل ملاحظه تعریف مشخصی ارائه نشده است؟

کمیسیون حقوق بین الملل در پیش‌نویس اصول مربوط به جلوگیری از آثار فرامرزی اذعان می‌دارد:

«اصطلاح قابل ملاحظه بدون ابهام نیست و باید به صورت موردی مورد ارزیابی قرار گیرد. این یک ارزیابی عملی است تا یک ارزیابی حقوقی؛ قابل ملاحظه چیزی بیش از قابل ارزیابی بودن است، اما لازم نیست تا به سطح جدی یا اساسی برسد. خسارت باید منجر به اثر مضر واقعی بر مقولاتی همچون سلامت انسان، صنعت، اموال، محیط زیست یا کشاورزی در کشور دیگر شود. چنین آثار مضر باید براساس استانداردهای واقعی و عینی قابل ارزیابی باشد» (UN, 2001: 152).

در رأی پالپ مایل، دیوان تعیین محتوای ارزیابی زیست‌محیطی را به صورت موردی براساس قوانین داخلی یا فرایند اجرای پروژه قرار داده است. لذا تنها قوانین دولت‌های حاشیه رودخانه دجله و فرات و تالاب هورالعظیم/هورالهویزه می‌توانند تعیین‌کننده باشند.<sup>۱</sup>

#### ۱۰. نتیجه‌گیری

در رأی جزایر پالماس، حاکمیت بر سرزمین را از نشانه‌های استقلال می‌داند. این حاکمیت به حق انحصاری آن دولت برای اعمال اقدامات منجر می‌شود. اما در مقابل این حق، دولت وظیفه حفاظت از منافع سایر دولت‌ها را نیز دارد (palmas case, 1928: 839). جولیا باربوزا این منافع را شامل اشخاص، اموال و محیط‌زیست سایر دولت‌ها نیز می‌داند (Barboza, 321).

حفاظت از منابع مشترک، همکاری مشترک طلب می‌کند و هرگونه اقدام یک‌جانبه بدون در نظر گرفتن مصالح و منافع سایر کشورها می‌تواند آثار زیانباری نه‌تنها در نسل کنونی، بلکه بر نسل‌های آتی همراه داشته باشد. این موضوع زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد که محیط‌زیست را به‌منزله میراث مشترک بشریت لحاظ کنیم.

۱. برای مشاهده قوانین داخلی دولت‌های ترکیه، سوریه و عراق در خصوص حفاظت از محیط‌زیست، ر.ک:

Nicolas C. Bremer, op.cit, p.4.

در داوری لانو دیوان بیان کرد: «امروزه دولت‌ها نگران تعارض منافعشان هستند که با کاربرد صنعتی رودخانه‌ها شکل می‌گیرد، لذا ضرورت ایجاد می‌کند تا بین منافع آن‌ها تعادل برقرار شود. تنها راه رسیدن به چنین توافقی انعقاد یک موافقت‌نامه با لحاظ کردن منافع جمعی دولت‌هاست ...» (Lake Lanoux Arbitration, 1957: 129-)

(130)

این نکته باید مدنظر قرار گیرد که براساس کنوانسیون تنوع زیست محیطی که دولت‌های حاشیه تالاب هورالعظیم/هورالهویزه و رودخانه‌های دجله و فرات، عضو آن هستند، در صورت بروز اختلاف می‌توانند به هریک از روش‌های حل و فصل اختلاف تعریف شده در ماده ۲۷ کنوانسیون تنوع زیست محیطی، توسل جویند. از مهم‌ترین اقداماتی که دولت‌ها می‌توانند در حفاظت از تالاب‌ها انجام دهند، تعریف حفاظت از محیط زیست در قوانین داخلی خود و انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه بدین منظور است. به عبارت دیگر، حفاظت از محیط زیست و از جمله تالاب‌ها موضوع ملی و فراملی و نیازمند همکاری دولت‌ها در این زمینه است.

## منابع

### الف) فارسی

۱. ضیایی، سیدیا سر، (۱۳۹۳). «جایگاه تعهدات زیست محیطی در حقوق بین الملل سرمایه گذاری»، دوره ۱۵، شماره ۴۲، ۱۹۱-۲۲۴.
۲. مهتاب عصارى «پروژه گپ، آتشی زیر خاکستر (سدسازی های بی رویه در ترکیه آناتولی)»، هیئت حسابرسی زیست محیطی و توسعه پایدار، ۱-۱۴  
[http://www.dmk.ir/dorsapax/userfiles/file/hesab\\_zistmohiti/sadsazi\\_torkieh.pdf](http://www.dmk.ir/dorsapax/userfiles/file/hesab_zistmohiti/sadsazi_torkieh.pdf).
۳. عبداللهی، محسن (۱۳۹۰). «رویکردهای نظام مسئولیت بین المللی در جبران خسارات ناشی از اعمال منع شده در حقوق بین الملل»، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، ۲۱۱-۲۷۸.
۴. عبداللهی، محسن و معرفی، سعیده (۱۳۸۹). «اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست»، سال ۱۲، شماره ۲۹، ۱۹۹-۲۲۴.
۵. مختاری، سحر؛ سلطانی فرد، هادی و یاوری، احمد رضا (۱۳۸۸). «خودسازماندهی در تالاب هورالعظیم/هورالهویزه با تأکید بر اکولوژی»، پژوهش جغرافیای طبیعی، شماره ۷، ۹۳-۱۰۵.
۶. پیلتن، فرزاد و صدیق بطحایی اصل (۱۳۹۵). «مبانی و مکانیزم همکاری های زیست محیطی ایران و همسایگان در حوزه آب های رودخانه ای مشترک»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۲۱، ۹۱-۱۹۷.
۷. خالدی، حسین؛ میرزایی، محمدعلی؛ حسن پیردشتی، حسن و صمدزاده، گلستان، (۱۳۹۳). «بررسی نقش رودخانه های مرزی در روابط ایران و عراق»، علوم سیاسی، شماره ۱۰، ۲۱۴-۲۲۵.

### ب) انگلیسی

#### Books

8. O. Schachter (1991). *International Law in Theory and Practice*, M. Nijhoff Publishers.

9. Lauterpacht, Hersch (1951). *Annual Digest of Public International Law Cases: 1938-1940*, Longmans, No. 47.

#### Articles

10. Nicolas C. Bremer (2016). "Trans boundary Environmental Impact Assessment of Large Dams in the Euphrates–Tigris Region: An Analysis of International Law Binding Iran, Iraq, Syria and Turkey", Vol. 25, Issue 1, 1-24.
11. Roohallah Mirzaei, Jim Conroy, Paul Yoxon. "Otters In The Hawr Al Azim Wetland, Iran", *Hystrix It. J. Mamm. (N's.)* 21(1) (2010), p. 80-90, <http://www.italian-journal-of-mammalogy.it/article/viewFile/4457/4395>.
12. International rivers, (2011). "Ethiopia's Gibe III Dam: Sowing Hunger and Conflict", 1-8, <https://www.internationalrivers.org/resources/ethiopia-s-gibe-iii-dam-sowing-hunger-and-conflict-2643>.
13. Alexandre S. Timoshenko (1988). "protection of wetlands by international law", *pace environmental law review*, Vol. 5, 1-40.
14. Barboza, Julio. "international liability the injurious consequence of acts not prohibited by international law and protection of environment law", *course of Academy of Hague*.
15. Kirk Herbertson (2013). "Xayaburi Dam: How Laos Violated the 1995 Mekong Agreement", 1-20, [www.internationalrivers.org/resources/xayaburi-dam-how-laos-violated-the-1995-mekong-agreement-7810](http://www.internationalrivers.org/resources/xayaburi-dam-how-laos-violated-the-1995-mekong-agreement-7810).
16. Bernard, Nicolle & Schwinghamer, Katy (2014). "Land Cover Changes Due to Damming of the Tigris River", <http://academic.emporia.edu/aberjame/student/schwing1/mosuldham.html>.
17. United States Environmental Protection Agency (EPA)(2017). "What are wetland functions?", <https://www.epa.gov/wetlands/what-are-wetland-functions>.
18. International Rivers (2013). "Ethiopian Dam and Irrigation Projects Threaten to Turn Kenya's Lake Turkana into "East Africa's Aral Sea", <https://www.internationalrivers.org/resources/ethiopian-dam-threatens-to-turn-lake-turkana-into-east-africa-s-aral-sea-7786>.

19. Missy Davenport, Boulder, Colo (2012). "The Downside of Dams: Is the Environmental Price of Hydroelectric Power Too High?", <https://www.scientificamerican.com/article/how-do-dams-hurt-rivers/>.
20. WSP (2013). "Wetland Science And Practice", Vol. 30, No. 4, WWW.SWS.ORG.

#### **Cases**

21. Icj report, Certain Activities carried out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) - Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica) - The Court to deliver its Judgment on Wednesday 16 December 2016.
22. ICJ report, Corfu Channel (United Kingdom v. Albania), Merits, Judgment, I.C.J Reports 1949.
23. ICJ report, Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict, 8 July 1996.
24. Icj report, Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010.
25. ICJ report, Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), 2013.
26. Icj report. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I.C.J. Reports 1997.
27. The Trail smelter arbitration (1941).

#### **Document**

28. Ramseur convention, 1971.
29. Convention on Biological Diversity (CBD), 1992.
30. International Law Commission Draft Principles on the Prevention of Trans boundary harm from hazardous activities, with commentaries (2001), Session 56, UN doc. A/56/10.
31. Draft articles on the law of the non-navigational uses of international watercourses and commentaries thereto and resolution on Tran's boundary confined groundwater, 1994.



32. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 1972.
33. UNEP Goals and Principles of Environmental Impact Assessment, UNEP res. GC14/25, 14th Sess. (1987), endorsed by UNGA res. 42/184, UNGAOR 42nd Sess., UN doc. A/Res/42/184 (1987).
34. The Barcelona Convention for the Protection of the Marine Environment and the Coastal Region of the Mediterranean. 1995.
35. Petition to Antonio Guterres, Secretary General of the United Nations, by the People's Campaign to Support the Kind Zagros in Iran, to protect the Iranian side of the Mesopotamian Marshlands, known as Hoor al-Azim in Iran, 2017.
36. Statement by H.E. Dry Yousef Hojjat, Deputy Head of the Department of Environment, at the Third Meeting of the Parties to Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context, Cavtat, Croatia, 1-4 June 2004, found at: <https://www.unece.org/fileadmin/DAM/env/eia/documents/cavtat/Islamic%20Republic%20of%20Iran.pdf>.
37. Memorandum of Understanding on Environment between the Government of the Republic of Turkey and the Government of the Islamic Republic of Iran, ART.2 (2, 4).
38. A/RES/37/7, 28 October 1982.